Political Studies of Islamic World

P-ISSN:2252-0929
E-ISSN: 2676-3524

The Impact of the Resistance Axis on the Strategic Depth of the Islamic Republic of Iran

Mohsen Bagheri
Ph.D. of International Relations, Department of Political Sciences, University of Isfahan, Isfahan, Iran, bagheri.m12@gmail.com
Ali Omidi
Associate Professor of International Relations, Department of Political Sciences, University of Isfahan, Isfahan, Iran, aliomidi@ase.ui.ac.ir
Enayatollah Yazdani*
Associate Professor of International Relations, Department of Political Sciences, University of Isfahan, Isfahan, Iran (Corresponding Author) eyazdan@ase.ui.ac.ir

Abstract

Objective: After the 1979 Islamic revolution and the establishment of the Islamic Republic in Iran, hostility between Iran and the Zionist Regime has been created and escalated. As the imperatives of Tehran's anti-Israeli orientation, the alliance with Syria plus non-state groups in Lebanon and Palestine and gradually the formation of the Resistance Axis have been established. This paper aims to address this question: What is the impact of the Resistance Axis on the strategic depth of the Islamic Republic of Iran?
Method: The method of research is descriptive-analytical by using library and internet sources.

Findings: The findings of this paper indicate that the Resistance Axis influence on Iran's strategic depth through mechanisms such as making balance of power by establishment of resistance bases and creating loyal groups, a strategic alliance with Syria and other non-state allies, improving Iran's missile capabilities, increasing the military power of Hezbollah, Hamas and Islamic Jihad, and weakening the deterrent capabilities of the Zionist Regime.
Conclusion: The formation and development of the Resistance Axis has expanded the Islamic Republic of Iran's strategic depth in the Fertile Crescent region.
Keywords: Strategic Depth, Regional Influence, Balance of Power, Resistance Axis, the Islamic Republic of Iran and Zionist Regime.
Article Type: *Research*

∗ Political Studies of Islamic World,Summer 2021, Vol.10, NO.2; 65-92
DOI: 10.30479/psiw.2021.15493.2994
Received on 15, May 2021 Accepted on 9 August, 2021
Copyright© 2021, Bagheri, Omidi & Yazdani
Publisher: Imam Khomeini International University

مطالعات سیاسی جهان اسلام

شاپا چاپی: ۲۲۵۲-۰۹۲۹
شاپا الکترونیکی: ۲۶۷۶-۳۵۲۴

تأثیر محور مقاومت بر عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران

محسن باقری

دانش آموخته دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه اصفهان bagheri.m12@gmail.com

علی امیدی

دانشیار روابط بین‌الملل گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان aliomidi@ase.ui.ac.ir

عنایت‌الله یزدانی*

دانشیار روابط بین الملل گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول) eyazdan@ase.ui.ac.ir

چکیده

هدف: از جمله نتایج انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ و استقرار نظام جمهوری اسلامی در ایران، ایجاد منازعه و تعارض با آمریکا و دشمنی با رژیم صهیونیستی بوده است. در این بین، از جمله ملزومات جهت‌گیری ضدصهیونیستی جمهوری اسلامی، شکل‌گیری اتحاد با سوریه و به‌تدریج شکل‌گیری محور مقاومت بوده است. از این رو، هدف مقاله بررسی تأثیر محور مقاومت بر عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران است.

روش: این مقاله بر اساس روش توصیفی- تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی انجام شده است.

یافته‌ها: یافته‌های مقاله نشان دهنده تأثیرگذاری محور مقاومت بر عمق استراتژیک ایران از طریق تعقیب این ساز وکارها است: ایجاد گروه‌های وفادار و تأسیس پایگاه‌های مقاومت در منطقه، اتحاد استراتژیک با سوریه و سایر متحدان غیردولتی و افزایش موازنه بیرونی قدرت، ارتقای توانایی موشکی ایران و تقویت موازنه درونی قدرت، افزایش قدرت نظامی حزب‌الله، حماس و جهاد اسلامی و تضعیف توانایی بازدارندگی و کاهش ضریب امنیت ملی رژیم صهیونیستی.

نتیجه‌گیری: شکل‌گیری و گسترش محور مقاومت، منجر به افزایش عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران در منطقه هلال خصیب گردیده است.

واژگان کلیدی: عمق استراتژیک، نفوذ منطقه‌ای، توازن قدرت، محور مقاومت، جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی.

نوع مقاله: پژوهشی

---

* مطالعات سیاسی جهان اسلام، تابستان ۱۴۰۰، دوره ۱۰، شماره ۲، پیاپی ۳۸: ۶۵-۹۲

تاریخ دریافت مقاله:۱۴۰۰/۲/۱۵ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۵/۱۸

ناشر: دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)

مقدمه

استقرار نظام اسلامی – انقلابی در ایران که استراتژی عدم تعهد تجدیدنظرطلبانه‌ای در تعامل با نظام بین‌الملل در پیش گرفته بود، پیامدها و تهدیدهایی را برای ایران از سوی بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی به همراه داشته است که از جمله مهم‌ترین آن‌ها، تهاجم نظامی رژیم بعثی عراق به ایران بود. از سوی دیگر، وقوع انقلاب اسلامی در ایران، موقعیت ایران را از دولتی که متحد آمریکا و غرب و به صورت خاص رژیم صهیونیستی بود، در جایگاهی قرار داد که این کشور از متحد این رژیم به دشمن شماره یک آن تبدیل نمود. در مقابل، رژیم صهیونیستی نیز ایران را مهم‌ترین تهدید خود قلمداد نموده و به خصومت با آن پرداخته است. از این رو بود که ایران بر اساس ملاحظات ایدئولوژیک و نیز استراتژیک تلاش نمود به مقابله با این دشمنان اقدام نماید.

تنهایی ناخواسته‌ای که جمهوری اسلامی ایران در سال‌های ابتدایی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و به صورت خاص پس از تهاجم عراق به ایران در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی با آن مواجه شده بود، در کنار منافع و تهدیدات مشترکی که ایران و سوریه در این شرایط با آن مواجه بودند، در نهایت منجر به شکل‌گیری اتحادی بین دو کشور گردید که هدف آن مقابله با عراق، رژیم صهیونیستی و آمریکا بود. جدا از موفقیت‌های این اتحاد در طول جنگ ایران و عراق، تهاجم رژیم صهیونیستی به لبنان در سال ۱۹۸۲ منجر به گسترش این اتحاد با ظهور و تقویت حزب‌الله در لبنان گردید. این اتحاد در انتهای دهه ۱۹۸۰ و ابتدای دهه ۱۹۹۰ متحدان دیگری مانند حماس و جهاد اسلامی فلسطین را در برگرفت. اتحاد ایران با متحدان دولتی و غیردولتی آن با سقوط صدام در سال ۲۰۰۳ بتدریج متحدان دیگری را به‌ویژه از بین گروه‌های شبه‌نظامی شیعی در عراق به خود ملحق نمود. این امر در طی بحران ظهور داعش در عراق (۲۰۱۸-۲۰۱۴) با شکل‌گیری حشدالشعبی در این کشور به عنوان یکی از متحدان نزدیک ایران در عراق به اوج خود رسید. در دهه ۲۰۱۰ به دنبال تحولات موسوم به بهار عربی، متحد دیگری به این جمع پیوست که آن جنبش انصارالله در یمن است.

در سال‌های اخیر چند مؤلفه اهمیت پرداختن به مسأله رابطه عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران با محور مقاومت را دو چندان ساخته است که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: امنیتی‌کردن[1] موضوع هسته‌ای ایران توسط آمریکا، رژیم صهیونیستی و غرب و تهدیدات مکرر این رژیم در ضربه وارد نمودن به تأسیسات هسته‌ای ایران؛ بحران سوریه و بحران داعش در عراق و افزایش حضور و نفوذ منطقه‌ای ایران؛ تشدید رقابت راهبردی ایران و عربستان در منطقه؛ توافق هسته‌ای ایران با غرب و تلاش برای محدودسازی نفوذ، حضور و عمق راهبردی ایران در منطقه توسط آمریکا و متحدان غربی و منطقه‌ای آن و در نهایت ترور شهید قاسم

1 . Securitization

سلیمانی فرمانده سابق سپاه قدس توسط آمریکا در عراق در دی ماه ۱۳۹۸. از این روست که تحلیل راهبرد ایران در گسترش عمق استراتژیک خویش و تأثیرات آن از اهمیت زیادی برخوردار است.

این مقاله به دنبال پاسخ به این سؤال است که محور مقاومت چه تأثیری بر عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران گذاشته است؟ پاسخ موقت به این پرسش آن است که شکل‌گیری و گسترش محور مقاومت، منجر به افزایش عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران در منطقه هلال خصیب[1] گردیده است. ساختار مقاله نیز بر این اساس است که با استفاده از چهارچوب مفهومی عمق استراتژیک و توزان قدرت به بررسی فرضیه پرداخته شده است. بر اساس این چهارچوب، به تبیین چگونگی تأثیرگذاری محور مقاومت بر عمق استراتژیک جمهوری اسلامی اقدام می‌شود و نگاه مردمان جهان عرب به سیاست منطقه‌ای ایران نیز مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

۱. پیشینه پژوهش

در این بخش از مقاله به منظور بررسی و مروری بر پژوهش‌های قبلی در خصوص مسأله اصلی این مقاله، به صورت متمایز و در قالب دو دسته منابع فارسی و انگلیسی به بررسی چگونگی پرداختن به مسأله عمق استراتژیک ایران ناشی از محور مقاومت اقدام می‌شود.

در زیر مجموعه منابع فارسی، بازرگان و پوراحمدی میبدی (۱۳۹۷) در مقاله «ابعاد سیاسی و امنیتی حمایت از سوریه در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (۲۰۱۷-۲۰۱۱)» به بررسی چرایی تداوم اتحاد ایران با سوریه پرداخته‌اند و به دیدگاه‌های موجود در خصوص لزوم حمایت یا عدم حمایت ایران از دولت اسد در سوریه به‌ویژه بعد از تصاعد بحران در این کشور نیز اشاره‌ای نموده‌اند. آقاجانی (۱۳۹۶) در مقاله «مؤلفه‌های الگوبخشی انقلاب اسلامی نسبت به کشورهای جهان مبتنی بر دیدگاه رهبر معظم انقلاب» معتقد است، پیروزی انقلاب اسلامی موجب ایجاد تحرکات و جنبش‌هایی در سطح جهان اسلام گردید و بسیاری از ملت‌ها (و جنبش‌ها) به خاطر تأثیرپذیری از انقلاب اسلامی به عمق استراتژیک این انقلاب تبدیل شدند.

در منابع لاتین نیز برزگر و دیوسالار (۲۰۱۷) در مقاله «عقلانیت سیاسی در سیاست خارجی ایران[2]» به مفهوم عمق استراتژیک و نقش آن در سیاست خارجی منطقه‌ای ایران در مقابل دشمنان و رقبای منطقه‌ای توجه نموده‌اند و آن را تقویت کننده امنیت ملی و قدرت بازداردندگی ایران دانسته‌اند. اکبرزاده (۲۰۱۶) در مقاله «چرا ایران به حزب‌الله نیاز دارد؟[3]» به بررسی روابط ایران و حزب‌الله و نقش محاسبات ژئواستراتژیک در این خصوص پرداخته است.

1.Fertile Crescent
2.Political Rationality in Iranian Foreign Policy
3.Why Does Iran Need Hizbullah?

بارتل و گری[1] (۲۰۱۲) در مقاله «تعارض در سوریه؛ فرصت برای کاهش نفوذ منطقه‌ای ایران و تهدید ایران برای جامعه بین‌الملل[2]» بحران در سوریه را دارای پیامدهای منطقه‌ای برای ایران به دلیل اتحاد ایران و سوریه دانسته‌اند و نتیجه آن را تأثیرگذاری منفی بر توانایی ایران در وصول به اهداف منطقه‌ای‌اش ارزیابی می‌کنند.

نقطه تمایز این مقاله حاضر با سایر پژوهش‌ها آن است که ضمن بررسی عمیق مفهوم و راهبرد عمق استراتژیک به‌ویژه نوع دفاعی- امنیتی آن، به جایگاه این راهبرد در سیاست خارجی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران در خصوص محور مقاومت اشاره نموده است و در بخش اصلی مقاله به چگونگی تأثیرگذاری محور مقاومت بر عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران و ساز و کارهایی که ایران در راستای دستیابی به این هدف استفاده نموده، پرداخته شده است.

۲. چارچوب مفهومی: عمق استراتژیک

برای اصطلاح عمق استراتژیک، تعاریف و مفاهیم مختلفی در نظر گرفته شده است. ست کروپسی[3] در تبیین به‌کارگیری این مفهوم به منظور بررسی عمق استراتژیک رژیم صهیونیستی، آن را ضرورت وجود فاصله فیزیکی بین یک تهدید می‌داند و آنچه که باید مورد محافظت قرار گیرد (Cropsey, 2014). برخی محققان، عمق استراتژیک را اصطلاحی مربوط به بازدارندگی کلاسیک می‌دانند که به قابلیت‌های یک کشور در تاب آوردن و ایستادگی کردن در مقابل تجاوز خارجی اشاره می‌کند که آن هم با بهره‌گیری از وسعت جغرافیایی آن کشور و نیز فاصله مراکز حیاتی و ارزشمند آن با مرزهای جغرافیایی (و محل منازعه) انجام می‌گردد (Freedman, 2017: 403).

هارکاوی[4] تعریف دقیق‌تری از عمق استراتژیک ارائه نموده است و آن را فاصله بین خطوط مقدم و مناطق جنگی با مناطق عمده صنعتی، پایتخت و شهرهای بزرگ، مناطق مهم و مرکزی و یا هارتلند[5] و سایر مراکز اصلی جمعیتی و نیز مراکز تولید نظامی می‌داند. وی در تحلیل اهمیت عمق استراتژیک سؤالی که مطرح می‌کند آن است که میزان آسیب‌پذیری این دارایی‌های جغرافیایی – نظامی (و سایر مواضع و منافع حیاتی کشور) در مقابل هر نوع حمله سریع، پیش‌دستانه و تهاجم یا تک روشمند[6] چقدر است؟ به عبارت دیگر دولت مورد نظر چه میزان از این عناصر تشکیل‌دهنده عمق استراتژیک برخوردار است و یا می‌تواند برای خود آن-

1.Bartell and Gray
2. Conflict in Syria and The Opportunity to Reduce Iran’s Regional Influence and Iran’s Threat to The International Community
3.Seth Cropsey
4.Harkavy
5.Heartland
6.Methodical Offensive

ها را ایجاد و تقویت نماید؟ در مقابل این سوال، هارکاوی از منظر دیگر پرسشی متفاوت مطرح می‌کند مبنی بر این که آیا جغرافیای نظامی یک کشور به آن اجازه می‌دهد (در مقابل یک حمله) به قلمروی خود عقب‌نشینی کرده و رانش (یا تهاجم) اولیه[1] را جذب نماید و باعث گردد که در حمله بعدی، مهاجم به کمترین اهداف مورد نظرش دست پیدا کند و مانع از ضربه زدن آن به منابع اصلی قدرتش گردد؟ از نظر هارکاوی این امر نمودی از داد و ستد یا مبادله[2] بین فضا و زمان است. وی نمونه تاریخی این امر را ناتوانی آلمان در شکست دادن ارتش اتحاد جماهیر شوروی در فاصله سال‌های ۱۹۴۲-۱۹۴۱ می‌داند (Harkavy, 2001: 47). طبیعی است ایجاد پایگاه‌های نظامی؛ اعم از اصلی و نیابتی در نزدیکی قلمرو جغرافیایی کشور متخاصم، می‌تواند عمق استراتژیک کشور دارنده آن پایگاه‌ها را افزایش دهد و عمق استراتژیک کشور متخاصم را تضعیف نماید.

عمق استراتژیک، عاملی مهم در ایجاد توازن قدرت در منازعات بین کشورها بوده است (Harkavy, 2001: 47-48).؛ زیرا عمق استراتژیک و افزایش نفوذ منطقه‌ای رابطه تنگاتنگی با افزایش و تفوق و توازن قدرت دارد. در تبیین مفروضات نظریه توازن قدرت، کنت والتز[3] معتقد است که دولت‌ها از همه ابزارهای در دسترس خویش برای دست‌یابی به اهداف خود (یعنی برقراری موازنه در مقابل قدرت برهم زننده توازن و یا علیه یک تهدید) بهره می‌گیرند. والتز این ابزارها را به دو قسم طبقه‌بندی می‌کند که عبارتند از: الف- (اقدامات و) تلاش‌های داخلی[4]، (یا موازنه داخلی) که در قالب انجام مواردی از قبیل افزایش توانایی‌های اقتصادی به منظور افزایش قدرت نظامی و توسعه استراتژی هوشمند[5] دولت انجام می‌شود؛ ب- تلاش‌های خارجی[6] (یا موازنه خارجی) که در چارچوب اقداماتی مانند حرکت به سمت تشکیل و تقویت و توسعه اتحادهای خودی و یا تضعیف و کوچک نمودن[7] (و کاهش دادن قدرت) اتحادهای مخالفان[8] (و دولت‌های حریف و مقابل) پیگیری می‌شود (Waltz, 1986: 117) پس بر این اساس، یکی از ابزارهایی که دولت‌ها برابر اعلام نوواقع‌گرایان برای موازنه مقابل قدرت و البته تهدید دشمنان خویش استفاده می‌کنند، اتحاد است؛ یعنی ترتیبی امنیتی که ایران جهت تعمیق عمق استراتژیک خویش در خاورمیانه از آن استفاده نموده است.

برخورداری یک دولت از مؤلفه‌های تشکیل دهنده عمق استراتژیک، آسیب‌پذیری آن را در مقابل هرگونه تهاجم و حمله نظامی کاهش می‌دهد. جدا از نقش عمق استراتژیک جغرافیایی در

1.Initial Thrust
2.Trade-off
3.Kenneth N. Waltz
4.Internal Efforts
5.Clever Strategies
6.External Efforts
7.Shrink
8.Opposing

کاهش آسیب‌پذیری امنیتی، توازن بیرونی قدرت نیز تقویت کننده عمق استراتژیک دفاعی – امنیتی یک کشور است.

۳. چگونگی تأثیرگذاری محور مقاومت بر عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشوری که «تنهایی استراتژیک[1]» را در طول سال‌های جنگ عراق علیه خویش به خوبی تجربه نموده، به این باور رسیده است که تنها از طریق تفوق قدرت و افزایش نفوذ می‌تواند امنیت هارتلند خود را حفظ کند. این عمل استراتژیک از طریق مفهومی، انتزاعی و استراتژیک با استفاده از ایجاد و تقویت گروه‌های وفادار و متعهد به ایدئولوژی و راهبرد ضدصهیونیستی و ضدآمریکایی خود و نیز ایجاد پایگاه‌های نظامی گروه‌های مقاومت و تقویت قدرت نظامی آن‌ها و نیز اتحاد با کشورهای هم‌سو، در کنار موازنه درونی قدرت تأمین می‌شود.

نقشه ۱: عمق استراتژیک ایران حاصل از محور مقاومت

(Cherian, 2018)

همان‌طور که نقشه ۱ نشان می‌دهد، ایران با استفاده از راهبرد عمق استراتژیک تلاش می‌کند خط مقدم نبرد را به خارج از مرزهای جغرافیایی خویش بکشاند تا امکان اقدام رقبا و دشمنان منطقه‌ای آن در حمله مستقیم به ایران را کاهش دهد. در این بین، ایران با بهره‌گیری از توان بازیگران و متحدان نیابتی خود به وارد آوردن ضربه به نقاط ضعف و آسیب‌پذیر دشمنان خویش اقدام می‌نماید. در این مسیر، هدف ایران ایجاد خطوط دفاعی– امنیتی دور از مرزهای این کشور با کمک متحدان دولتی و غیردولتی خویش است (Barzegar and Divsallar, 2017: 48-49) پس از جمله مهم‌ترین اهداف اقدام ایران در تشکیل و تقویت و تداوم محور مقاومت را می‌توان کاهش احساس ناامنی جمهوری اسلامی ایران در نظام منطقه‌ای و بین‌المللی

1.Strategic Solitude

دانست که از طریق ارتقای توان بازدارندگی نامتقارن، توان دفاع در عمق و دفاع غیرعامل، دفاع همه‌جانبه و با کمک گسترش ابعاد مختلف عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران پیگیری می‌شود. در این راستا، جمهوری اسلامی ایران برای کاهش میزان تنهایی استراتژیک و رهایی از آن، از دو راهبرد ایجاد موازنه درونی؛ یعنی تقویت مؤلفه‌های درونی قدرت به‌ویژه بُعد نظامی آن و بالاخص توان موشکی استفاده نموده است و در سطح فراملی نیز از رویکرد موازنه بیرونی با تعمیق عمق استراتژیک خویش بهره برده است که شکل‌گیری و گسترش محور مقاومت در دوران بعد از انقلاب اسلامی نمود عینی آن است.

الف–ایجاد گروه‌های وفادار و تأسیس پایگاه‌های نظامی گروه‌های مقاومت در منطقه

از جمله ابزارهای ایران برای مدیریت منازعه با رژیم صهیونیستی و حتی آمریکا و نیز تقویت نفوذ و عمق استراتژاتژیک خود، ایجاد و تقویت گروه‌های وفادار و تأسیس پایگاه‌های نظامی گروه‌های مقاومت در حیاتی‌ترین نقاط منطقه بوده است. بر این اساس است که جمهوری اسلامی ایران با سرمایه‌گذاری در لبنان و فلسطین و بر روی حزب‌الله، حماس و جهاد اسلامی در مجاورت مرزهای رژیم صهیونیستی بهره برده است.

حزب‌الله نقش مهمی در گسترش شبکه متحدان و پایگاه‌های نیابتی ایران ایفا نموده است. دلیل این امر نیز تأثیرپذیری سایر گروه‌های مبارز اسلامی از الگوی عملیاتی و موفقیت‌های حزب‌الله و نزدیک شدن به ایران است. به صورت خاص می‌توان به استفاده حماس و جهاد اسلامی از الگوی عملیاتی حزب‌الله اشاره نمود که در قالب انجام اقداماتی از قبیل: عملیات شهادت‌طلبانه، نبرد نامتقارن، دستیابی و ارتقای توان موشکی و حفر تونل‌های زیرزمینی برای نفوذ در عمق استراتژیک رژیم صهیونیستی اشاره نمود. ایران با کمک حزب‌الله از بحران‌های منطقه‌ای؛ مانند سوریه و عراق و حتی یمن به عنوان فرصتی برای جذب متحدان بیشتر و تثبیت و گسترش پایگاه‌های نیابتی خویش سود جسته است.

در بحران سوریه نیز حزب‌الله با تقویت نیروهای دولت اسد، به عنوان متحد ایران، نقش مهمی در حفظ عمق استراتژیک ایران ایفا نموده است. حزب‌الله، ضمن آموزش و هدایت شبه‌نظامیان شیعی عراقی و سایر مبارزان شیعی در سوریه، با همکاری آنان به حمایت از دولت سوریه و مقابله با گروه‌های تروریستی مانند داعش اقدام نموده است. به صورت خاص حزب‌الله در کمک به دو گروه شیعه عراقی که به جذب و آموزش مبارزان شیعی عراقی و اعزامشان به سوریه اقدام می‌نموده‌اند، نقش داشته است. این دو گروه عبارت بودند از: کتائب (گردان) حزب‌الله[1] و عصائب اهل الحق[2]. حزب‌الله به چندین گروه دیگر شیعی عراقی نیز در سوریه از قبیل کتائب سیدالشهداء[3]، لواء (تیپ) ذوالفقار[1]، لواء عماربن یاسر[2] و لواء ابوالفضل

1.Kataeb Hizbullah
2.Asaib Ahl-Haq
3. Kataeb Sayyed Al-Shuhadda

العباس[۳] و نیز جیش‌الشعبی[۴] سوریه (ارتش مردمی سوریه که با الگوگیری از بسیج ایران در سوریه تشکیل شد)، نیز کمک نموده است. این گروه‌های شیعی و جیش‌الشعبی تحت هدایت حزب‌الله با گروه‌های رادیکال اسلامی مانند داعش به جنگ پرداخته‌اند (Gulmohamad, 2014: 5-6).

ایران جدا از حزب‌الله، نسبت به ایجاد پایگاه‌های نیابتی در خاورمیانه عربی اقدام نموده است. از جمله دیگر نمودهای آن حماس و جهاد اسلامی (و حتی جنبشی شیعی مانند صابرین[۵]) در غزه است. موقعیت استراتژیک و ژئوپلیتیک این متحدان ایران در مجاورت مرزهای رژیم صهیونیستی و نیز حضور حماس (و جهاد اسلامی) در سرزمین‌های اشغالی (و حزب‌الله در مرزهای شمالی این رژیم) بر اهمیت آنان در محور مقاومت افزوده است. از این روست که ایران ضمن آن که نسبت به تأمین منافع خود از طریق گروه‌های فلسطینی در جهت نفوذ در مناقشه اعراب و رژیم صهیونیستی بهره می‌گیرد، از حزب‌الله به عنوان قوی‌ترین بازیگر غیردولتی ضدصهیونیستی و نیز جهاد اسلامی و به صورت خاص، حماس به عنوان قدرتمندترین گروه ضدصهیونیستی در سرزمین‌های اشغالی به عنوان یک بازیگر نیابتی در جنگ نیابتی خود علیه این رژیم استفاده نموده است (Mumford, 2013: 55).

فراتر از حزب‌الله و متحدان فلسطینی ایران، این کشور توانسته است از ظرفیت سایر شبکه متحدان –شیعه – غیردولتی خود در سوریه استفاده نماید (Soufan, 2018: 4) و از آن‌ها نه تنها برای مبارزه با تروریسم سلفی تکفیری بهره‌گیری نماید، بلکه با حمایت از دولت سوریه از عمق استراتژیک خویش در این کشور پاسداری نماید. این امر در نهایت منجر به گسترش عمق راهبردی سیاسی، دفاعی– امنیتی ایران در سطح آسیای جنوب غربی گردیده است.

در کشورهای دیگر نیز ایران متحدانی برای خود جذب نموده است. جدا از انصارالله در یمن، به صورت خاص در عراق شبه‌نظامیان شیعی؛ مانند گروه‌های تشکیل‌دهنده حشدالشعبی از جمله مهم‌ترین عناصر قدرت و نفوذ ایران در این کشور هستند. زیرا نفوذ این کشور در عراق نه تنها به واسطه حمایت نظامی و سیاسی از دولت عراق در مقابله با داعش بوده است، بلکه به واسطه حضور و نقش پررنگ متحدان شبه‌نظامی شیعی عراقی در کنار نیروهای نظامی عراقی در مقابل داعش و شکست آن بوده است. اهمیت این امر به گونه‌ای است که مقامات عراقی نیز معتقدند، ایران در کنار حمایت سیاسی و نظامی از دولت عراق، با ارائه تسلیحات و مشاوره به گروه‌های شبه‌نظامی آن در بیش از یک دهه گذشته نفوذ خود را ایجاد نموده و افزایش داده

1. Liwa Zulfigar
2. Liwa Ammar ibn Yasser
3.Liwa Abu Fadle al-Abbas
4.Jaish Al-Shabi

۵. الصابرین نصراً لفلسطین – حِصْن

است (Dehghanpisheh, 2014). اهمیت عراق از این جهت است که می‌تواند دالان استراتژیک به خط مقدم جبهه مقاومت باشد.

البته باید اشاره نمود که به‌ویژه بعد از پایان بحران داعش در عراق، دولت‌های متخاصم مانند آمریکا، و برخی رقبای منطقه‌ای ایران؛ مانند عربستان سعودی تلاش‌های متعددی برای به چالش کشیدن نفوذ ایران در عراق انجام داده‌اند. در این بین، عربستان سعی نموده است با استفاده از ابزارهای مختلف؛ مانند سرمایه‌گذاری اقتصادی در عراق، روابط دوستانه با کردها و سنی‌ها، تقویت تفکرات و جریان‌های ضدایرانی، و ایجاد اختلاف بین شیعه و سنی و ایرانی و عراقی، نفوذ سیاسی – امنیتی و ایدئولوژیکی ایران را در عراق کاهش دهد و در مقابل به پایه‌گذاری نفوذ همه‌جانبه خود در این کشور اقدام نماید.

ب– شکل‌گیری و تداوم اتحاد استراتژیک با سوریه و ارتقای توازن بیرونی قدرت ایران

بعد از وقوع انقلاب اسلامی و تهاجم نظامی رژیم بعثی عراق به ایران در سپتامبر ۱۹۸۰، جمهوری اسلامی ایران در جهت مقابله با رژیم عراق و در راستای دشمنی با رژیم صهیونیستی، اقدام به ایجاد یک اتحاد استراتژیک با سوریه نمود. در این مسیر، هر دو کشور ایران و سوریه با کمک هم در ایجاد و تکوین و تقویت عضو سوم این اتحاد یعنی حزب‌الله لبنان نقش مهمی داشته‌اند. در عین حال حمایت سوریه از حزب‌الله در دهه‌های گذشته به منظور حفظ یک کانال نفوذ در لبنان بوده است. سوریه نقش بسیار مهمی به عنوان یک پل جغرافیایی بین ایران و حزب‌الله را بازی می‌کند (Holmquist, 2015:36-38).

در خصوص اهمیت اتحاد استراتژیک ایران با سوریه در افزایش عمق راهبردی ایران باید گفت این اتحاد که (به صورت خاص در ابتدای جنگ عراق علیه ایران ۸۸–۱۹۸۰) شکل گرفت، حدود چهل سال تداوم یافته است و طولانی‌ترین اتحاد بین کشورهای منطقه است. سوریه یک جزء کلیدی در دکترین امنیتی ایران است و به عنوان یکی از عرصه‌های اصلی مبارزه با رژیم صهیونیستی، آمریکا و به طور کلی غرب است. علاوه بر این، سوریه نقطه اتصال ایران با لبنان است و در این مسیر، سوریه در تکامل موفقیت‌آمیز حزب‌الله لبنان به عنوان یک سازمان برجسته شیعی– اسلامی با گره دادن آن به ایران نقش داشته است؛ به طوری که حزب‌الله را به جلودار جبهه ایران در مقابل رژیم صهیونیستی تبدیل نموده است. بر این اساس بود ایران از هر تلاشی برای تقویت بشار اسد از جمله مشاوره نظامی و نیز حمایت از حزب‌الله استفاده می‌کند. در عین حال از توافق سیاسی برای پایان دادن به بحران سوریه بدون تغییر رژیم و جلوگیری از مداخله نظامی غرب در سوریه حمایت می‌کند (Kam, 2012: 1-2).

اتحاد ایران با سوریه سوریه نقش قابل توجهی در ارتقای عمق استراتژیک جغرافیایی، سیاسی و دفاعی– امنیتی جمهوری اسلامی ایران ایفا می‌کند. در این بین استراتژی ایران برای عمق‌بخشی بیشتر استراتژیک از منظر دفاعی– امنیتی و سیاسی دارای دو بخش عمده سوریه و

عراق است. سوریه و متحدان ایران در عراق (و نیز یمن) فضای استراتژیک لازم را برای کشش قدرت ایران را از خلیج فارس به سمت شبه جزیره عربستان، و شام و دریای مدیترانه فراهم می‌نمایند. در این بین سوریه یک قطعه کلیدی در پازل استراتژیک طراحی شده توسط ایران است. دلایل منطقی آن نیز آشکار است؛ زیرا سوریه (به همراه عراق) فراهم کننده یک دروازه حیاتی به دریای مدیترانه است که دالان استراتژیک برای ایران جهت حمایت از حزب‌الله و حماس است و ایران را قادر می‌سازد فشار امنیتی زیادی را بر سیاست‌های رژیم صهیونیستی و آمریکا (و عربستان) وارد سازد (Demir and Rijnoveanu, 2013: 16). نقشه ۲ اهمیت سوریه و نیز عراق را در دسترسی ایران به دریای مدیترانه و بنادر لاذقیه، طرطوس در سوریه و بیروت در لبنان به خوبی نشان می‌دهد، امری که ضمن گسترش عمق استراتژیک ایران و تضمین حمایت نظامی از حزب‌الله، (و حتی حماس و جهاد اسلامی)، تهدید ایران را برای رژیم صهیونیستی فوری‌تر نموده است.

موفقیت راهبرد منطقه‌ای ایران در حفظ، تقویت و گسترش متحدان دولتی و غیردولتی خویش، ضمن افزایش نقش منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، به هم‌جواری آن با حوزه کنش و منافع قدرت‌های بزرگ متعارض، رژیم صهیونیستی و سایر بازیگران منطقه‌ای تهدید کننده (مانند عربستان سعودی) انجامیده است و قابلیت ژئوپلیتیکی (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۹: ۵۳-۵۱) و عمق راهبردی جمهوری اسلامی ایران را در محیط منطقه‌ای افزایش داده است.

نقشه ۲: نقش سوریه و عراق در افزایش عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران

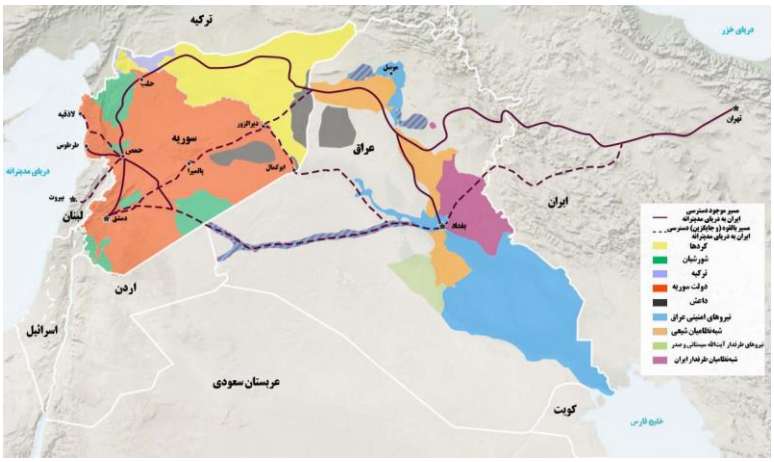

(Geopolitical Futures, 2018)

ج–ارتقای توانایی موشکی ایران و تقویت موازنه درونی قدرت

اهمیت توان موشکی در ارتقای قدرت نظامی جمهوری اسلامی ایران به حدی است که از آن به مثابه ستون فقرات راهبرد بازدارندگی ایران نام برده می‌شود (قیصری و خضری، ۱۳۹۵: ۶۷) این امر ناشی از آن است که ایران بر اساس تجارب ناشی از جنگ رژیم بعثی عراق علیه این کشور و ضعف در حوزه قدرت موشکی و آسیب‌پذیری ناشی از آن، برتری نظامی دو دشمن اصلی؛ یعنی آمریکا و رژیم صهیونیستی در عرصه نیروی هوایی و موشکی، حضور گسترده نظامی ایالات متحده در محیط امنیتی منطقه‌ای، تأکید دکترین دفاعی ایران بر بازدارندگی فراسرزمینی و نبرد نامتقارن (ارغوانی پیرسلامی و پیرانخو، ۱۳۹۶: ۶۹–۶۸) و درک موانع و محدودیت‌های ناشی از تحریم‌های بین‌المللی در حوزه دفاعی، تلاش نمود با توجه به امتیازهای موشک‌های بالستیک (از قبیل ظرفیت ایجاد توان بازدارنده، هزینه کم و زمان کوتاه در دستیابی به آن‌ها)، به اتخاذ رویکرد خوداتکایی دفاعی با تمرکز بر تقویت توانمندی موشکی بومی، شامل طراحی، ساخت و پرتاب انواع موشک‌های کوتاه‌برد، میان‌برد و دوربرد، اقدام نماید و از آن برای ایجاد توازن قدرت (دهقانی فیروزآبادی و عزیری بساطی، ۱۳۹۷: ۱۱۶، ۸۹) و تعمیق عمق استراتژیک دفاعی– امنیتی خویش بهره‌برداری کند.

اهمیت دستیابی ایران به قابلیت بومی در ساخت موشک زمانی خود را نشان می‌دهد که به این امر توجه نمود که ایران علی‌رغم جمعیت و وسعت زیادش در خاورمیانه ولی مخارج نظامی آن نسبت به همسایگان و دشمنان منطقه‌ای آن و به‌ویژه دولت‌هایی مانند رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی بسیار کمتر بوده است. در حالی که هزینه دفاعی عربستان در سال ۲۰۱۶ برابر با ۵۶،۸۹۸ میلیون دلار و رژیم صهیونیستی بالغ بر ۸۷۸، ۱۵ میلیون دلار بوده است؛ در حالی که هزینه دفاعی ایران (علی‌رغم وسعت و جمعیت بسیار بیشتر نسبت به رژیم صهیونیستی) تنها۱۵،۸۸۲ میلیون دلار بوده است. بررسی میزان این هزینه در سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ نیز نشان می‌دهد که هزینه دفاعی ایران در این سال‌ها نزدیک به یک پنجم عربستان و کمتر از رژیم صهیونیستی بوده است (International Institute for Strategic Studies, 2017: 556) این تفاوت‌های شدید بین هزینه‌های نظامی (در کنار محدودیت‌های تسلیحاتی ایران) و به تبع قابلیت‌های نظامی ایران با دشمنان منطقه‌ای آن در کنار حضور سنگین نظامی آمریکا در پیرامون ایران باعث شده است که ایران تغییراتی در استراتژی دفاعی خود لحاظ نماید و به دو موضوع قابلیت‌های موشکی و قابلیت‌های سایبری توجه نماید (Bahgat and Ehteshami, 2017: 2).

نقشه ۳: برد موشکی ایران در سطح خاورمیانه و مناطق پیرامون آن

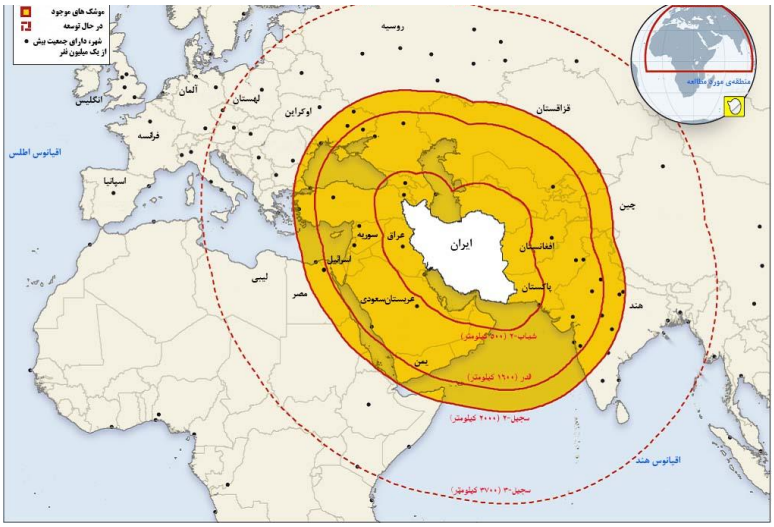

(Wood, 2015: 164)

همان‌گونه که تحلیل‌گران صهیونیستی در گزارش مؤسسه مطالعات امنیت ملی رژیم صهیونیستی به آن اشاره نمودند، برای ارزیابی میزان توان موشکی ایران باید توان دسترسی این کشور به عراق، جنوب لبنان، جنوب فلسطین اشغالی (غزه) و جنوب سوریه (جولان) و یمن را نیز اضافه نمود که نیروهای ایرانی و یا متحدان آن از قبیل حزب‌الله، حماس و جهاد اسلامی، گروه‌های شبه‌نظامی شیعی عراقی و حتی انصارالله با موشک‌هایی با برد کم‌تر توانایی انجام حمله موشکی علیه خاک فلسطین اشغالی و نیز عربستان و پایگاه‌های آمریکا را دارند. بر اساس درک دشمنان ایران از قدرت و برد موشک‌های میان‌برد ایران (جدول ۱) در سطح خاورمیانه و مناطق پیرامون آن است (نقشه ۳) که تحلیل‌گرانی همانند آیزنشتات بیان می‌کنند، ایران می‌تواند با موشک‌های بالستیک میان‌بردی مانند «شهاب ۳»، «قدر» و «عماد»، به سهولت فلسطین اشغالی را هدف قرار دهد (Stratfor Worldview, Aug 8, 2018). البته این امر جدا از موشک‌هایی با برد کمتر است که ایران از طریق غزه، جنوب لبنان و حتی سوریه می‌تواند به واسطه شبکه متحدانش به سوی نقاط استراتژیک فلسطین اشغالی پرتاب نماید. البته فراتر از آن و برابر تحلیل مؤسسه استراتفور به دلیل حضور ایران در سوریه، این کشور مطابق نقشه ۵، خود در رأس می‌تواند به صورت مستقیم تمام این نقاط را هدف قرار دهد؛ زیرا نه تنها ایران توان موشکی خود را در سوریه تقویت نموده و موشک‌هایی با برد بلند را نیز در آنجا مستقر نموده است، بلکه حتی اقدام به تولید تسلیحات در سوریه نیز نموده است (Eisenstadt, 2016: 31). فراتر از آن همان‌گونه که نقشه ۴ نشان می‌دهد، با توجه به فاصله ۱۰۰۰ تا حداکثر ۱۱۱۸ کیلومتر نقاط مختلف فلسطین اشغالی با مرزهای غربی ایران، جمهوری اسلامی ایران

می‌تواند با موشک‌های متنوع خود حتی از داخل سرزمین خویش نیز نقاط راهبردی شمال تا جنوب سرزمین تحت اشغال این رژیم را هدف قرار دهد.

نقشه ۴: فاصله نقاط مختلف فلسطین اشغالی با مرزهای غربی ایران

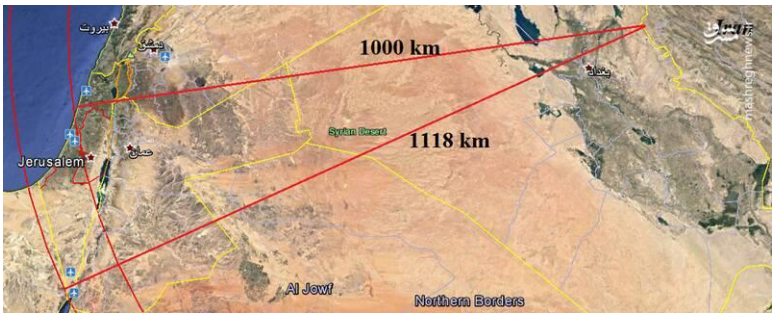

(وب‌سایت مشرق نیوز، ۱۳۹۷)

جدول ۱: مشخصات مهم‌ترین موشک‌های میان‌برد ایران

موشک	نوع	برد (کیلومتر)	طول (متر)	وزن مسلح (کیلوگرم)	وزن سر جنگی (کیلوگرم)	قطر (سانتی‌متر)	نوع سوخت
سجیل ۱ سجیل ۲	بالستیک	۲۵۱۰–۲۰۰۰	۱۷/۹۰	۲۳،۵۴۰	۶۵۰	۱۲۵	جامد
شهاب ۳	بالستیک	۲۰۰۰	۱۵	۱۵،۰۰۰	۶۷۰	نامشخص	مایع
قدر اف[1]	بالستیک	۱۹۵۰	۱۵/۸۶	۱۷،۴۵۸	۶۴۰	۱۲۵	مایع
عماد	بالستیک	۱۶۵۰	۵/۱۵	۱۷،۵۰۰	۷۵۰	۱۲۵	مایع
سومار	موشک کروز	۳۰۰۰–۲۰۰۰	۶	۱۲۱۰	۴۱۰	نامشخص	جامد
خرمشهر	بالستیک	۲۰۰۰	۱۳	۱۹،۵۰۰	۱۸۰۰–۱۵۰۰	۱۵۰	مایع
عاشورا	بالستیک	۲۵۰۰	۲۳–۱۹	نامشخص	۷۵۰	نامشخص	جامد
حاج قاسم	بالستیک	۱۸۰۰–۱۴۰۰	۱۱	۷۰۰۰	۵۰۰	۸۸	جامد

(منبع: اقتباس و استنتاج نگارندگان از منابع مختلف)

جدا از موشک‌های درج شده در جدول ۱ که قدرت و برد آن‌ها مورد توجه منابع غربی و نیز اسرائیلی قرار گرفته است (Asculai. 2018: 17-18) در سال‌های اخیر، قدرت موشکی ایران ارتقای بیشتری یافته است و این کشور از موشک‌های متنوع دیگری نیز رونمایی نموده است که از جمله مهم‌ترین آن‌ها در سال ۱۳۹۹ می‌توان به موشک بالستیک تاکتیکی «شهید حاج قاسم» و موشک کروز دریایی «ابومهدی» اشاره نمود که موشک ابومهدی، برد موشک‌های کروز دریایی ایران را به سه برابر گذشته؛ یعنی بیش از ۱۰۰۰ کیلومتر رسانده است. در حالی که ایران در سال‌های پیش، از موشک کروز زمینی – ضد اهداف زمینی– سومار و هویزه با برد ۱۳۵۰ کیلومتر و مشکات با برد ۲۰۰۰ کیلومتر رونمایی نموده بود. اکنون با موشک ضدکشتی ابومهدی، برد موشکی آن در سطح دریا نیز به بیش از هزار کیلومتر رسید (خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۹). اهمیت این امر از آن جهت است که برخورداری ایران از موشکی با این برد، تهدیدی عینی برای ناوهای هواپیمابر و شناورهای لجستیکی و کشتی‌های جنگی دولت‌های متخاصم– مانند ایالات متحده – در آب‌های جنوبی ایران؛ یعنی از خلیج فارس تا

1 . Qadr F

قسمت‌های وسیعی از دریای عرب – است و منجر به دور کردن آن‌ها از سواحل ایران می‌گردد. افزایش این بُعد از قدرت موشکی ایران، موضوعی است که یک دهه پیش از این در گزارش منتشر شده از سوی کنگره آمریکا به عنوان یکی از مهم‌ترین نگرانی‌های این کشور و به مثابه تهدیدی فوری از سوی ایران برای منافع نظامی و امنیتی ایالات متحده در منطقه به‌ویژه در زمان وقوع هرگونه درگیری نظامی احتمالی بین دو طرف، نام برده شده بود (قدیم ملالو و جعفری، ۱۳۹۷: ۱۰۰-۹۷).

از جمله مؤسسات مطالعات راهبردی غربی که به بررسی و تحلیل مستمر توان نظامی ایران و متحدانش در محور مقاومت پرداخته است، مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی آمریکا (سی.اس.آی.اس)[1] است. این مرکز نیز طی گزارشی از ایران به عنوان دارنده بزرگترین و متنوع‌ترین زرادخانه موشکی در خاورمیانه یاد نموده است. موشک‌هایی که برخی از آن‌ها قادر به حمله به فلسطین اشغالی هستند و حتی برد آن‌ها فراتر از آن تا جنوب شرقی اروپا را در بر می‌گیرند. تحلیل‌گران این مرکز ضمن تبیین توانایی موشکی ایران از برد عملیاتی ۱۵۰ الی ۲۰۰۰ کیلومتری این موشک‌ها نام برده‌اند و معتقدند که این قابلیت‌های نظامی منجر به معتبر و جدی قلمداد شدن تهدید ایران برای نیروهای آمریکا و شرکا و متحدان استراتژیک آن گردیده است (Missile Threat, 2020).

اهمیت توانایی موشکی ایران از این جهت است که جمهوری اسلامی ایران تنها به رونمایی صرف از موشک‌های خود اقدام ننموده است، بلکه در صورت لزوم از آن‌ها علیه اهداف متخاصم و دشمنان منطقه‌ای در سال‌های اخیر؛ یعنی از سال ۲۰۱۷ به بعد استفاده نموده است که مهم‌ترین نمودهای آن عبارتند از: پرتاب شش موشک ایران به مواضع داعش در شرق سوریه – دیرالزور – در ژوئن ۲۰۱۷ به تلافی عملیات تروریستی این گروه در تهران، حمله موشکی مشابه در سال ۲۰۱۸ علیه داعش، پرتاب هفت موشک – فاتح ۱۱۰ با برد ۲۰۰ الی ۳۰۰ کیلومتر – به سمت مقر حزب دموکرات کردستان در عراق در سپتامبر ۲۰۱۸، و حمله موشکی ایران در ژانویه ۲۰۲۰ به پایگاه هوایی عین‌الاسد آمریکا در عراق بعد از ترور شهید قاسم سلیمانی با ۲۲ موشک بالستیک در طی چندین ساعت. حمله اخیر نه تنها منجر به آسیب رسیدن این پایگاه نظامی گردید، بلکه منجر به آسیب مغزی تروماتیک[2] تعدادی از نیروهای نظامی آمریکا در این پایگاه شد (Missile Threat,2020). همچنین می‌توان به هدف قراردادن پهپاد MQ-4C آمریکا توسط سامانه موشکی سوم خرداد نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در ۲۰ ژوئن ۲۰۱۹ اشاره نمود.

1. Center for Strategic and International Studies (CSIS)
2.Traumatic Brain Injury

سیاست نظامی – امنیتی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران بر اساس راهبرد بازدارندگی فعال تعریف شده است. در این بازدارندگی، ایران با سرمایه‌گذاری در صنعت موشکی در کنار دفاع و اقدام متقابل، از نقش تهاجمی موشک‌ها به منظور برقراری توازن قدرت (دهقانی فیروزآبادی و عزیری بساطی، ۱۳۹۷: ۱۱۷-۱۱۶) و حتی در مواقعی تفوق قدرت (در مقابل بازیگرانی مانند رژیم صهیونیستی) به صورت مستقیم و غیرمستقیم (با کمک متحدان غیردولتی خویش) بهره‌گیری می‌نماید.

از جمله مهم‌ترین اهداف اتخاذ رویکرد دفاعی بازدارندگی نامتقارن مبتنی برگسترش توان موشکی و حوزه امنیتی جمهوری اسلامی ایران به سایر نواحی خاورمیانه، ایجاد سپر بازدارنده در مقابل حملات احتمالی آمریکا، رژیم صهیونیستی و متحدان فرامنطقه‌ای آن (سجادی و حاتمی، ۱۳۹۸: ۹۲-۹۱) و نیز برخورداری از توان تهاجمی در مقابل تهدیدات امنیتی پیش رو است. ایران در راستای راهبرد عمق‌بخشی دفاعی- امنیتی خویش به تقویت قدرت نظامی (موشکی و پهبادی) متحدان غیردولتی خویش در کشورهای عراق، لبنان، فلسطین اشغالی (غزه) و یمن نیز اقدام نموده است.

د-افزایش قدرت نظامی حزب‌الله، حماس و جهاد اسلامی

توانمندی جنبش‌های متحد ایران در محور مقاومت – از عراق و یمن گرفته تا لبنان و فلسطین اشغالی- موجب افزایش عمق استراتژیک دفاعی- امنیتی و ارتقای توازن قدرت بیرونی جمهوری اسلامی ایران گردیده است. در این راستا است که سرلشکر حسین سلامی، جانشین سابق سپاه پاسداران و فرمانده کنونی آن در سال ۱۳۹۵در تبیین میزان توانایی نظامی متحدان ایران در تهدید امنیت ملی و بقای رژیم صهیونیستی اظهار داشت؛ «ده‌ها هزار موشک تخریب‌گر با بردهای بلند در اقصی‌نقاط [جهان] اسلام فقط منتظر دستور هستند که با فشار یک ماشه، اسرائیل را برای همیشه از جغرافیای سیاسی جهان حذف کند و امروز متفاوت از گذشته ظرفیت محو و فروپاشی این رژیم به روی زمین شکل گرفته است» (خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۵). طبیعی است که در شرایط کنونی این قابلیت‌ها ارتقا یافته است. موضوع ارتقای توانایی عملیاتی حزب‌الله مورد توجه تحلیل‌گران غربی نیز قرار گرفته است و آن‌ها نیز به این امر واقف هستند که تجربه حضور حزب‌الله در سوریه، تهدید این جنبش را برای رژیم صهیونیستی که قبلاً بیشتر ماهیت موشکی داشت، با توجه به تجارب جنگی جدید نیروهای حزب‌الله در سوریه تغییر داده استت (Wittes, 2016).

میزان توانایی موشکی حزب‌الله مورد توجه ارتش رژیم صهیونیستی نیز قرار گرفته است؛ به گونه‌ای که سایت «نیروهای دفاعی اسرائیل[1]» در بررسی پنج تهدید عمده مقابل این رژیم، از توانایی نظامی حزب‌الله و حماس نام برده است. برابر این گزارش که در سال ۲۰۱۵ تهیه شده

1. Israel Defense Forces (IDF)

است، حزب‌الله توانایی نظامی خود را در منطقه افزایش داده است و تعداد نیروهای آن به حدود سی هزار نفر رسیده است و بالغ بر یکصدهزار موشک نیز در اختیار دارد. موشک‌هایی که می‌توانند هر نقطه‌ای از خاک فلسطین اشغالی را مورد هدف قرار دهند. تعداد و قابلیت این موشک‌ها به حدی است که سیدحسن نصرالله، دبیرکل حزب‌الله، در آن زمان اعلام نموده است که این رژیم حتی نمی‌تواند تصور نماید که چه میزان تسلیحات در انبارهای نظامی حزب‌الله وجود دارد (Israel Defense Forces, 2015).

از نظر تحلیل‌گران غربی نیز قدرت موشکی حزب‌الله، تهدیدی عینی برای رژیم صهیونیستی است؛ زیرا این گروه آن را در سال ۲۰۰۶ به اثبات رسانید، آن هم زمانی که حزب‌الله دارای حدود ده هزار موشک بود که عمدتاً نیز موشک‌هایی با برد کوتاه توپخانه‌ای بودند. این در حالی بود که رژیم صهیونیستی در نخستین حملات هوایی خود بسیاری از موشک‌های برد بلند حزب‌الله را تخریب نموده بود، ولی با این وجود حزب‌الله موفق شد که روزانه تقریباً ۱۲۰ موشک به سمت فلسطین اشغالی پرتاب نماید. این در حالی است که اکنون قدرت موشکی حزب‌الله از نظر کمیت و کیفیت بسیار افزایش یافته است و برخی ارزیابی‌ها نشان دهنده دارا بودن یکصد و سی هزار موشک در در دست این گروه است. موشک‌های حزب‌الله نه تنها از نظر دقت نیز ارتقا یافته، بلکه مطابق جدول شماره ۲ و نقشه شماره ۵، گستره وسیعی را از موشک توپخانه فجر – ۵، فاتح- ۱۱۰ تا اسکاد بی سی[1] را شامل می‌شوند (Stratfor Worldview, Aug 8, 2018). این توان نظامی ایران و متحد لبنانی آن، کلیه مراکز و تأسیسات حساس، حیاتی و مهم رژیم صهیونیستی را در تیررس موشک‌های محور مقاومت قرار داده است که نتیجه این امر افزایش عمق استراتژیک دفاعی – امنیتی جمهوری اسلامی ایران است.

جدول ۲: قدرت نظامی حزب‌الله از نظر موشک و راکت

نام تسلیحات													نوع تسلیحات
اسکاد بی/سی	فاتح ۱۱۰	زلزال ½	فجر۵	فجر۳	کاتیوشا	شاهین۱	فلق۲	خیبر ۱	فلق۱	تیپ -۸۱[2]	راکت ام‌ام-۱۰۷[3]		سطح به سطح[4]
ای.تی۱۴		ای.تی.۱۳		ای.تی.۵		ای.تی.۴		ای.تی۵۳		آریی‌جی ۲۹			ضدتانک
اس-ای-۱۷		اس.ای ۸		اس.ای۲۲		اس.ای۱۸	اس.ای.۱۶		اس.ای۱۴	اس.ای۷[6]	میتاق ۲/۱		ضدهوایی
							یاخونت[7]			سی-۸۰۲			ضدکشتی

Shaikh and Williams, 2018: 1

قابلیت موشکی حزب‌الله به گونه‌ای است که مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌الملل (سی.اس.آی.اس) آمریکا، در گزارشی در خصوص توان راکتی و موشکی حزب‌الله، این جنبش

1. Scud-B/C
2.Type-81
3.107 MM Rocket
4.Land Attack
5.AT-3
6.SA-7
7.Yakhont

را مهم‌ترین و قدرتمندترین بازیگر غیردولتی از نظر نظامی می‌داند که همان‌گونه که در جدول شماره ۲ قابل مشاهده است، ذخایر گسترده و گوناگونی از راکت‌ها[1] و موشک‌های بالستیک[2]، موشک‌های ضدتانک[3]، ضدهوایی[4] و ضدکشتی[5] را در اختیار دارد. حزب‌الله از این گروه از تسلیحات به خوبی برای ایجاد بازدارندگی در مقابل رژیم صهیونیستی و پاسخ به اقدامات نظامی آن استفاده می‌نماید. عملکرد حزب‌الله نیز در جنگ ۲۰۰۶ که حتی برابر گزارش فوق، از نظر نظامی بسیاری از قابلیت‌های کنونی را نداشت نشان داد که حزب‌الله بازیگری قدرتمند در مقابل این رژیم و کاهش دهنده بسیاری از تهدیدات آن علیه اعضای محور مقاومت و از جمله ایران است (Shaikh and Williams, 2018: 1).

نقشه ۵: برد موشک‌های حزب‌الله در لبنان و نیز موشک‌های ایران در سوریه در تهدید ابعاد مختلف امنیت ملی رژیم صهیونیستی

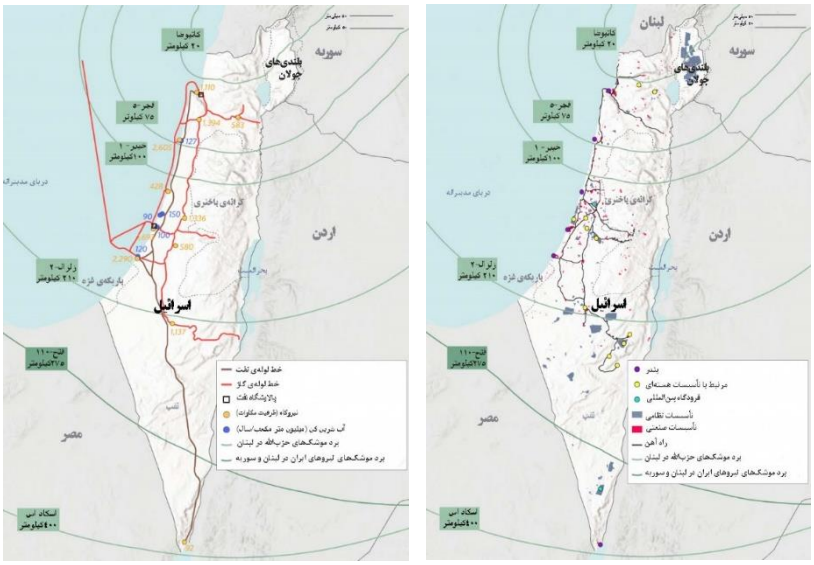

(Stratfor Worldview, 2018)

در این بین، اهمیت توان موشکی و راکتی حماس و جهاد اسلامی از آن جهت است که این گروه‌ها در غزه حضور دارند. از آنجا که غزه با حیفا در شمال فلسطین اشغالی (مرکز تجاری رژیم صهیونیستی) و یافا (مرکز مجازی رژیم صهیونیستی و تأمین کننده برق تمام فلسطین اشغالی) و تل‌آویو به نسبت جنوب لبنان فاصله بسیار کمتری دارد، پس به تبع موشک‌هایی با برد کمتر نیز می‌توانند نقش مؤثری در مقاومت مقابل رژیم صهیونیستی و ضربه به اماکن و

1.Rockets
2.Ballistic
3.Antitank
4.Antiair
5.Antiship

تأسیسات حیاتی و حساس آن ایفا کنند. از نظر معاون جنبش حزب‌الله، موشک ایرانی فجر نقش مهمی در موفقیت‌های حماس و کشاندن جنگ به تل‌آیو در جنگ ۲۲روزه – در سال ۲۰۰۸ – داشته است. همچنین این توانایی موشکی حماس در جنگ ۵۱ روزه غزه – در سال ۲۰۱۴ – نیز معالات نظامی را به نفع حماس تغییر داد و این جنبش توانست موشک‌های بیشتری به سمت تل‌آویو و سایر اماکن حساس در فلسطین اشغالی شلیک نماید. بر اثر این توان موشکی، حماس توانست سه چهارم خاک فلسطین اشغالی را در فضای هراس و وحشت قرار دهد (خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۳)؛ البته جنگ می ۲۰۲۱ غزه نشان دهنده افزایش توان نظامی حماس و جهاد اسلامی بود و سراسر فلسطین اشغالی را در تیررس موشک‌های حماس قرار داد. نتایج این امر، برقراری توازن تهدید را در مقابل رژیم صهیونیستی توسط متحدان ایران در فلسطین بود.

موسسه استراتفور در گزارشی در خصوص توان راکتی حماس آورده است که حملات موشکی حماس در سال‌های اخیر کلیه شهرهای پرجمعیت فلسطین اشغالی از قبیل تل‌آویو[1]، اورشلیم و هادر[2] را در معرض موشک‌هایی مانند فجر – ۵ مطابق نقشه ۶ قرار داده است. این امر احساس ناامنی را به خوبی برای ساکنان سرزمین‌های اشغالی تداعی نموده است (Stratfor Worldview, 2014).

نقشه ۶: میزان برد موشک‌های حماس در سطح فلسطین اشغالی

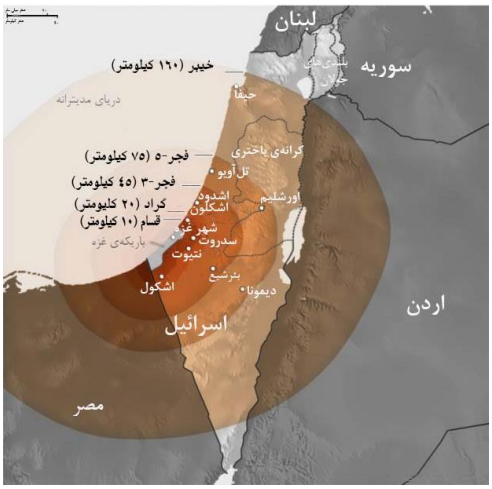

(Stratfor Worldview, 2014)

حماس در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۱۲ در طول جنگ با رژیم صهیونیستی، ۱۴۰۰ موشک به سرزمین‌های اشغالی پرتاب نمود. اگرچه بر اثر پرتاب این تعداد موشک تنها شش نفر کشته

1.Tel Aviv
2. Hadera

شدند، ولی احساس تهدید و ناامنی ناشی از آن برای رژیم صهیونیستی بسیار پرهزینه‌تر بوده است. با دستیابی حماس به موشک فجر- ۵ با برد ۷۵ کیلومتر که از سال ۲۰۱۲ در اختیار حماس قرار گرفت، حماس نه تنها شهرهای مهم فلسطین اشغالی را در تیررس موشک‌های خود قرار داده، بلکه نیروگاه هسته‌ای دیمونا را نیز در معرض تهدید موشکی حماس قرار گرفته است. پرتاب این موشک توسط حماس با وارد کردن فشارهای متعدد روحی و کشاندن مردم به پناهنگاه‌ها نه تنها احساس ناامنی را افزایش می‌دهد، بلکه منجر به اختلال در فعالیت‌های اقتصادی رژیم صهیونیستی می‌شود. جدیدترین موشک حماس نیز خیبر -۱[1] است که با برد ۱۶۰ کیلومتری و دقت بیشتر، حیفا را در شمال فلسطین اشغالی در تیررس این گروه قرار داده است (Stratfor Worldview, 2014). با افزایش قدرت نظامی حماس و جهاد اسلامی و افزایش تعداد و برد موشک‌های پرتابی و برد آن‌ها، ابعاد مختلف امنیت ملی رژیم صهیونیستی در جنگ ۲۰۲۱ غزه به‌ویژه امنیت اقتصادی، نظامی، اجتماعی و سیاسی آن بیشتر تضعیف گردید. به گونه‌ای که در جنگ اخیر به گفته سخنگوی دفتر نخست‌وزیری این رژیم، طی یازده روز، ۴۰۰۰ موشک توسط حماس و جهاد اسلامی به سمت فلسطین اشغالی پرتاب گردید (خبرگزاری تسنیم، ۱۴۰۰). این در حالی بود که حماس در طی جنگ ۲۰۱۴ غزه در طول ۵۱ روز تعداد ۴۵۰۰ موشک به سمت فلسطین اشغالی پرتاب نموده بود (وب‌سایت مرکز اطلاع-رسانی فلسطین، ۲۰۱۷)؛ یعنی توان تهاجمی موشکی جنبش‌های مقاومت فلسطینی متحد ایران نسبت به سال ۲۰۱۴ بیش از چهار برابر افزایش یافته است.

بنابراین وقوع جنگ یازده روزه غزه در سال ۲۰۲۱ بین رژیم صهیونیستی و گروه‌های مقاومت حماس و جهاد اسلامی به خوبی نشان از ارتقای توان نظامی این گروه‌ها داشت؛ به گونه‌ای که برای نخستین بار تل‌آویو پایتخت این رژیم و فرودگاه بن‌گوریون توسط موشک‌های مقاومت فلسطینی مورد هدف قرار گرفت. این امر در کنار افزایش برد موشک‌های حماس به میزان ۲۵۰ کیلومتر بود؛ به گونه‌ای که در طی جنگ سال ۲۰۲۱ حماس با رونمایی از موشک عیاش با برد ۲۵۰ کیلومتر، فرودگاه رامون در شهر ایلات در جنوب فلسطین اشغالی را مورد هدف قرار داد. جدا از موشک‌ها، از دیگر ابزارهای قدرت نظامی ایران و گروه‌های متحد منطقه‌ای آن در لبنان، فلسطین اشغالی، عراق و یمن، پهبادها است که بر معادله نبرد تأثیرگذار بوده است.

۴. نگاه مردم جهان عرب به سیاست های ایران

در تبیین نقش گروه‌های مقاومت ب‌ویژه گروه‌های سنی آن‌ها در ارتقای عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران، از جمله مسائلی که مطرح می‌شود چگونگی رابطه این گروه‌ها با ایران است؛ یعنی این که آیا ارتباط آن‌ها با ایران بر اساس یک استراتژی بلندمدت است و یا مقطعی

1. Khaibar-1

و ناشی از شرایط خاص و اضطرار است. در عین حال میزان پشتوانه مردمی آن‌ها در کشورهایشان چگونه است؟ مؤسسات مختلف نظرسنجی، نتایج مختلفی ارائه می‌کنند. تحقیقات و نظرسنجی‌های انجام شده توسط موسسه زگبی[1] آمریکا در ارزیابی افکار عمومی عربی در خصوص ایران در طی سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۹ که طی کتابی منتشر شده است[2]- نشان می‌دهد که میزان محبوبیت ایران در جهان عرب در سال ۲۰۰۶ به اوج خود رسید. از جمله مهم‌ترین دلایل آن، تحولات عراق و کشته شدن بسیاری از مردم آن توسط آمریکا و تحقیر آن-ها از سال ۲۰۰۳ به بعد و نیز جنگ سال ۲۰۰۶ رژیم صهیونیستی علیه حزب‌الله و کشته شدن بسیاری از غیرنظامیان در بمباران لبنان توسط این رژیم (و مهم‌تر از آن حمایت ایران از حزب‌الله) بود. در جهان عرب، محبوبیت ایران رابطه مستقیم و تنگاتنگی با عدم محبوبیت و نفرت از آمریکا و رژیم صهیونیستی در منطقه داشته است؛ به گونه‌ای که خشم و نفرت اعراب نسبت به این دولت‌ها (با توجه به تفکرات و اقدامات ضدصهیونیستی و ضدآمریکایی ایران) منجر به افزایش قدرت نرم ایران در بین اعراب شده بود. ولی در یک دهه گذشته، بعد از وقوع بحران سوریه و حضور عینی‌تر ایران و متحدانش در این کشور و نیز بحران یمن، نظرسنجی مؤسسه زگبی نشان دهنده کاهش نگاه مثبت اعراب به ایران بوده است (Sadjadpour, 2020).

با این وجود، براساس نظرسنجی‌های انجام شده توسط مرکز عربی مطالعات و پژوهش‌های سیاسی[3] دوحه قطر، در فلسطین نگاه مثبت به سیاست ایران در خصوص فلسطین از ۳۶٪ در سال ۲۰۱۶ به ۴۳٪ در سال ۲۰۱۸ و ۳۳٪ در سال ۲۰۲۰ تغییر یافته است. در لبنان سیاست ایران در قبال فلسطین، سوریه و یمن با نگاه مثبت‌تری در بین افکار عمومی دنبال شده است. به صورت میانگین، حدود ۵۰٪ در سال ۲۰۲۰ از این سیاست‌ها حمایت کرده‌اند. با این وجود، در لبنان به عنوان کشوری که ایران در آن روابط سیاسی، نظامی وایدئولوژیک با حزب‌الله دارد، دیدگاه منفی لبنانی‌ها در خصوص سیاست ایران در قبال کشورشان بین ۶۰٪ در سال ۲۰۱۵ تا ۴۸٪ در ۲۰۱۷ متغیر بوده است. البته باید گفت اکثریت قریب به اتفاق شیعیان لبنان دیدگاه‌های مثبتی نسبت به سیاست‌های ایران در لبنان در طی سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۰ داشته‌اند و عمده نگاه‌های منفی از سوی مسیحیان و سنی‌ها و دروزی‌ها بوده است. در عراق دیدگاه عراقی‌ها اختلاف نظر نسبت به سیاست ایران در قبال منطقه عربی بین سنی و شیعه فاحش است، به گونه‌ای بین سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸ حدود ۷۱٪ شیعیان عراق؛ یعنی اکثریت جمعیت این کشور، نگاه مثبتی به این سیاست داشتند، ولی ۹۲٪ از سنی‌ها برداشت منفی از آن داشته‌اند. اما در خصوص سیاست ایران در قبال عراق در سال ۲۰۲۰ حدود ۸۶٪ شیعیان و ۹۸٪ سنی‌ها برداشت منفی از این سیاست داشته‌اند (Kamrava and Dorzadeh, 2020, 8-25).

1.Zogby Research Services
2.Arab, Turkish & Iranian Public Opinion 2011–2019
۳. المرکز العربی للأبحاث ودراسة السیاسات

اگر محبوبیت ایران در مقایسه با رژیم صهیونیستی را در جهان عرب بسنجیم، تفاوت فاحشی وجود دارد. ۷۹ درصد لبنانی‌ها، ۶۳ درصد فلسطینی‌ها، ۵۴ درصد مصری‌ها، ۴۲ درصد اردنی‌ها، و ۳۶ درصد سودانی‌ها بزرگترین تهدید منطقه را رژیم صهیونیستی دانسته‌اند. در حالی که تنها زیر ۱۰ درصد، ایران را به عنوان تهدید منطقه قلمداد کردند. تنها عراقی‌ها و یمنی‌ها تهدید ایران را بیشتر از اسرائیل ارزیابی کردند (Arab Barometer, 2019).

در مجموع باید گفت سیاست‌های منطقه‌ای ایران در خصوص محور مقاومت، جذابیت بیشتری از سوی گروه‌های شیعی؛ اعم از دوازده امامی، زیدی و علوی دارد. مردم فلسطین کمی استثناء هستند و افراد حامی حماس بی‌تردید نگاه مثبتی به ایران دارند.

نتیجه‌گیری

گسترش محور مقاومت، منافع و فرصت‌های زیادی را برای جمهوری اسلامی ایران فراهم نمود که از جمله آن‌ها عمق‌بخشی بیشتر به حوزه جغرافیای نظامی و استراتژیک جمهوری اسلامی ایران و ارتقای موازنه قدرت درونی و بیرونی این کشور بوده است. پیامد اقدامات ایران و متحدانش در محور مقاومت، نه تنها منجر به تقویت عمق استراتژیک سیاسی و دفاعی – امنیتی جمهوری اسلامی ایران گردیده است، بلکه در مقابل، رژیم صهیونیستی را که از نظر ابعاد مختلف عمق استراتژیک در محوریت قرار دارد را بیشتر تحدید نموده است؛ زیرا اقدامات ایران به واسطه حزب‌الله، حماس و جهاد اسلامی و در طول بیش از سه دهه گذشته نه تنها منجر به تضعیف بازدارندگی رژیم صهیونیستی گردیده، بلکه این امر منجر به کاهش ابعاد مختف امنیت نظامی، امنیت اقتصادی، امنیت سیاسی و امنیت اجتماعی این رژیم گردیده است. این در حالی است که قدرت‌یابی انصارالله در یمن در تنگه باب‌المندب و دریای سرخ، ضمن افزایش قدرت، نفوذ و عمق استراتژیک ایران، امنیت ملی رژیم صهیونیستی با تهدیدات بیشتر و متنوع‌تری مواجه نموده است.

بررسی راهبرد ایران در خصوص محور مقاومت نشان دهنده آن است که ایران در کنار راهبرد انباشت و تقویت توازن درونی قدرت، به توازن بیرونی اتحاد با سایر بازیگران نیز اقدام نمود. اتحاد ایران و سوریه، حزب‌الله و سپس پیوستن حماس، جهاد اسلامی به آن سرآغاز گسترش محور گردید که در دهه اخیر متحدان شبه‌نظامی شیعی عراقی و انصارالله را به خود ملحق نموده است. با شدت یافتن بحران در سوریه، ایران به ائتلاف نزدیکتر با روسیه و چین نیز اقدام نمود تا از این طریق با تجمیع انباشت قدرت درونی خویش با قدرت سایر بازیگران به مقابله با تهدیدات پیش روی خود و کاهش آسیب‌پذیری‌های امنیت ملی اقدام نماید. هدف ایران از اعمال استراتژی‌های بازدارندگی همه‌جانبه، بازدارندگی نامتقارن، دفاع در عمق، ضددسترسی، نبرد نامتقارن و گسترش عمق استراتژیک آن بوده است که نه تنها هزینه‌های انجام هر گونه اقدام نظامی علیه ایران را برای جبهه مقابل بسیار شدت بخشد، بلکه مانع از

انجام اقدام دولت‌های متخاصم (مانند رژیم صهیونیستی و آمریکا) در وارد نمودن ضربه نخست به ایران گردد و حتی در صورت وارد شدن این ضربه با برخورداری از توان تحمل، قادر باشد ضربه دوم و اقدامات تلافی‌جویانه را به حریفان وارد نماید. از این روست که ماهیت اتحاد ایران با متحدانش در محور مقاومت غالباً دارای ماهیت تدافعی بوده و به منظور ایجاد بازدارندگی متقابل در مقابل تهدیدات مشترک و در راستای تأمین منافع مشترک است.

اگر چه سیاست ایران در قبال محور مقاومت به‌ویژه بعد از بحران سوریه، برخی اثرات منفی در جایگاه ایران نزد افکار عمومی عربی گذاشته است ولی به صورت کلی، متحدان ایران در کشورهایی عربی دارای عقبه و پایگاه مردمی هستند و پیوند و اتحاد آن‌ها با ایران نیز مقطعی و کوتاه‌مدت نیست، بلکه بر اساس ملاحظات ایدئولوژیک و استراتژیک استوار است. ارتباط ایران با این گروه ها، منافع دو طرف را تأمین می‌کند و این امر به افزایش نفوذ و عمق استراتژیک ایران در منطقه خاورمیانه عربی منتهی شده است.

افزایش قدرت نظامی، نفوذ منطقه‌ای و عمق استراتژیک نظامی – امنیتی و نیز سیاسی – ایدئولوژیک ایران ناشی از محور مقاومت امکان مقابله و پاسخ به تهدیدات و اقدامات دشمنان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را فراهم نموده است که از جمله نمودهای آن در سال‌های اخیر حمله به پایگاه عین‌الاسد در عراق، هدف قرار دادن پهباد آمریکایی و در سال ۱۴۰۰ هدف قرار دادن نقاط حیاتی و راهبردی متعلق به رژیم صهیونیستی در سرزمین‌های اشغالی توسط ایران و متحدانش در پاسخ به اقدامات خرابکارانه‌ی این رژیم علیه تأسیسات هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران بوده است. این امر در کنار موفقیت‌های متحدان فلسطینی ایران در ضربه وارد نمودن به ابعاد مختلف امنیت ملی و بازدارندگی این رژیم در طی جنگ ۲۰۲۱ و نیز ایجاد موازنه قدرت بین انصارالله به عنوان یک جنبش مردمی با دولت عربستان سعودی و متحدان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای آن در صحنه جنگ طولانی‌مدت یمن بوده است. بنابراین بدون تردید می‌توان گفت در صورت فقدان پیوندهای ایران و متحدان دولتی و غیردولتی‌اش در خاورمیانه، نه تنها متحدان منطقه‌ای ایران، بلکه این کشور نیز آسیب‌پذیری بسیاری در مقابل دشمنان و حتی رقبای منطقه‌ای داشت که محور مقاومت مانع این امر شده است. ایران به خوبی توانسته تهدیدات را به فرصت افزایش قدرت و نفوذ منطقه‌ای و عمق استراتژیک خویش در سطح خاورمیانه تبدیل نماید و ضمن مقابله با انواع تهدیدات آمریکا، رژیم صهیونیستی و متحدان منطقه‌ای آن‌ها، آسیب‌پذیری‌های امنیتی خود را کاهش دهد.

کتابنامه

ارغوانی پیرسلامی، فریبرز و پیرانخو، سحر (۱۳۹۶). «تحول فناوری موشکی و راهبرد دفاعی- امنیتی جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه راهبرد**، ۲۶(۸۳): ۷۴-۵۱.

آقاجانی، مصطفی (۱۳۹۶). «مؤلفه‌های الگوبخشی انقلاب اسلامی نسبت به کشورهای جهان مبتنی بر دیدگاه رهبر معظم انقلاب»، **فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی**، ۶(۲۳): ۵۲-۲۷.

بازرگان، ابوالفضل و پوراحمدی میبدی، حسین (۱۳۹۷). «ابعاد سیاسی و امنیتی حمایت از سوریه در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (۲۰۱۷-۲۰۱۱)»، **فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی**، ۹(۳): ۱۱۳-۸۴.

خبرگزاری تسنیم (۱۳۹۵/۴/۱۱). «۱۰۰هزار موشک از لبنان آماده پرتاب به سمت رژیم صهیونیستی»، قابل دسترسی در آدرس
https://www.tasnimnews.com/fa/news/1395/04/11/1119325/

خبرگزاری تسنیم (۱۳۹۳/۱۰/۲). «حزب‌الله لبنان به موشک‌های نقطه‌زن ایرانی مجهز شد»، قابل دسترسی در آدرس:
https://www.tasnimnews.com/fa/news/1393/09/02/565847/

خبرگزاری تسنیم (۱۴۰۰/۲/۳۰). «سخنگوی نتانیاهو: تاکنون ۴۰۰۰ موشک از غزه به سمت اسرائیل شلیک شده است»، قابل دسترسی در آدرس:
https://www.tasnimnews.com/fa/news/1400/02/30/2506395/

خبرگزاری تسنیم (۱۳۹۹/۵/۳۱). «گزارش تسنیم از جدیدترین کروز ایرانی، آیا موشک «ابومهدی» همان موشک «هویزه» است؟»، قابل دسترسی در آدرس:
https://www.tasnimnews.com/fa/news/1399/05/31/2332226/

دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال و عزیزی بساطی، مجتبی (۱۳۹۷). «توانمندی موشکی در سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا (۲۰۱۸-۲۰۰۱)»، **مجله سیاست دفاعی**، ۲۶(۱۰۳): ۱۲۱-۸۹.

سجادی، سید محسن و حاتمی، اصغر (۱۳۹۸). «بازدارندگی موشکی به مثابه راهبرد امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه دانش تفسیر سیاسی**، ۱(۱): ۹۶-۷۱.

قدیم ملالو، علی و جعفری، سیداصغر (۱۳۹۷). «نقش و تأثیر راهبرد موشکی آمریکا بر راهبرد موشکی جمهوری اسلامی ایران»، **مجله سیاست دفاعی**،۲۶(۱۰۲): ۱۰۴-۷۱.

قیصری، نورالله و خضری، احسان (۱۳۹۵). «سیاست دفاعی نظام جمهوری اسلامی ایران: بررسی اسناد کلان»، **فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی**، ۱۰(۳۷): ۷۴-۵۷.

مصلی‌نژاد، عباس (۱۳۹۹). «سیاست‌گذاری منطقه‌ای ایران در محیط آشوب‌زده»، **فصلنامه سیاست جهانی**، ۹(۳): ۵۴-۳۳.

وب‌سایت مرکز اطلاع‌رسانی فلسطین (۲۰۱۷/۸/۸)، «اعتراف فرمانده صهیونیستی: حماس در جنگ ۲۰۱۴ سامانه‌های دفاعی اسرائیل را به چالش کشید»، قابل دسترسی در آدرس:
https://farsi.palinfo.com/news/2017/8/8/

وب‌سایت مشرق‌نیوز (۱۳۹۷/۱۱/۲۳). «۱۰ ویژگی مهم «دزفول»؛ از بالک تا کلاهک/ موشک‌های نقطه‌زن ایرانی به اسرائیل رسیدند»، قابل دسترسی در آدرس:
https://www.mashreghnews.ir/news/936136/

References

Aqajani, Mostafa (2018). "The Components of the Islamic Revolution as a Model for other Countries based on the Views of the Supreme Leader", **Islamic Revolution Research Quarterly**, 6(23): 27-52. (in Persian)

Arab Barometer (2019). "Israel or Iran: Which is the greater perceived threat?", Retrieved from: https://www.arabbarometer.org/2019/09/israel-or-iran-which-is-the-greater-perceived-threat/

Arghavani Pirsalami, Fariborz and Pirankho, Sahar (2017). "Missile Technology and the I.R of Iran's Defense- Security Strategy", **Rahbord Quarterly**, 26(83): 51-74. (in Persian)

Asculai, Ephraim (March 2018). "Iran after the Nuclear Agreement: A Status Report", In Meir Litvak, Emily, B. Landau, and Ephraim, Kam (eds.) "Iran in a Changing Strategic Environment", Institute for National Security Studies (INSS), **Memorandum**, No. 173**,** 13-21.

Bahgat, Gawdat and Ehteshami, Anoushiravan (2017). "Iran's Defense Strategy: the Navy, Ballistic Missiles and Cyberspace", **Middle East policy**, Volume 24, Issue 3, 89-103.

Bartell, Dawn L. & Gray, David H. (2012). "Conflict in Syria and the Opportunity to Reduce Iran's Regional Influence and Iran's Threat to the International Community". **Global Security Studies**, Volume 3, Issue 4, 136-147.

Barzegar, Kayhan and Divsallar, Abdolrasool (2017). "Political Rationality in Iranian Foreign Policy", **the Washington Quarterly**, Volume 40, Issue 1, 39-53.

Bazargan, Abolfazl and Pour Ahmadi Hossein. (2018). "Strategic Dimensions of Supporting Syria in Iran's Foreign Policy (2011-2017)", **Political and International Approaches Quarterly**, 9(3): 84-113. (in Persian)

Cherian, John (April 19, 2018). "Ascent of Iran", **Kashmir Observer**, Retrieved from https://kashmirobserver.net/2018/features/ascent-iran-31067

Cropsey, Seth (February 19, 2014). "Strategic Depth & Israel's Maritime Strategy", **Real Clear Defense**, Retrieved from https://www.realcleardefense.com/articles/2014/02/20/strategic_depth__israels_maritime_strategy_107098.html

Dehghani Firoozabadi, Seyed Jalal and Azizi Basati, Mojtaba (2018). "Missile Capability in Islamic Republic of Iran's Policy in the West Asia (2018-2001)", **Defense Policy Quarterly**, 26(103): 89-121. (in Persian)

Dehghanpisheh, Babak (November 12, 2014). “Special Report: The fighters of Iraq who answer to Iran”, **Reuters**, Retrieved from https://www.reuters.com/article/us-mideast-crisis-militias-specialreport/special-report-the-fighters-of-iraq-who-answer-to-iran-idUSKCN0IW0ZA20141112

Demir, Sertif and Rijnoveanu, Carmen (2013). “The Impact of the Syria Crisis on the Global and Regional Political Dynamics”, **Journal of Turkish World Studies**, XIII/1, 55-77.

Eisenstadt, Michael (November, 2016). “The Role of Missiles in Iran’s Military Strategy”, The Washington Institute for Near East Policy, **Research Notes**, No. 39, Retrieved from https://www.washingtoninstitute.org/uploads/Documents/pubs/ResearchNote39-Eisenstadt.pdf

Freedman, Guy (2017). “Iranian Approach to Deterrence: Theory and Practice”, **Comparative Strategy**, Volume 36, No. 5, 400-412.

Geopolitical Futures (March 9, 2018). “How Iran Secured a Supply Route Through Iraq”, Retrieved from https://geopoliticalfutures.com/iran-secured-supply-route-iraq/

Gheisari Noorollah and Khezri Ehsan (2017). “Defense Policy of Islamic Republic of Iran; Reviewing the Macro Documents”, **The Islamic Revolution Approach Quarterly**, 10(37): 57-74. (in Persian)

Gulmohamad, Zana Khasraw, (2014). “The Rise and Fall of the Islamic State of Iraq and Al-Sham (Levant) ISIS”, **Global Security Studies**, Volume 5, Issue 2.

Harkavy, Robert (2001). “Strategic Geography and the Greater Middle East”, **Naval War College Review**: Vol. 54: No. 4, Retrieved from https://digital-commons.usnwc.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=2534&context=nwc-review

Holmquist, Erika (February, 2015). “ISIS and Hezbollah: Conduits of Instability”, **FOI, Swedish Defence Research Agency**, Retrieved from www.foi.se/Documents/foir4058_reducerad.pdf

International Institute for Strategic Studies, (2017). **Military Balance 2017**, London: Rutledge.

Israel Defense Forces (April 6, 2015). “The 5 Major Threats Facing Israel”, Retrieved from https://www.idf.il/en/minisites/terror-and-threats/the-5-major-threats-facing-israel/

Kam, Ephraim (October 10, 2012).“The Axis of Evil in Action: Iranian Support for Syria”, **INSS Insight**, No. 372, 1-3.

Kamrava Mehran and Dorzadeh Hamideh. (December 22, 2020). “Arab Opinion Toward Iran 2019/2020”, **The Arab Center for Research and Policy**

Studies, Retrieved from https://www.dohainstitute.org/en/Lists/ACRPS-PDFDocumentLibrary/Arab-Opinion-Toward-Iran-2019-2020.pdf

Mashregh News (January 13, 2019), "10 Important Features of 'Dezful Missile'; From the Fin to the Warhead Precision, Iranian Precision Missiles Reach Israel", Retrieved from https://www.mashreghnews.ir/news/936136/ (in Persian)

Missile Threat (July 16, 2020), Missiles of Iran, **CSIS Missile Defense Project**, Retrieved from https://missilethreat.csis.org/country/iran/

Molaloo, Ali Ghadim and Jafari, Seyed Asghar (2018). "The Role and Effect of the U.S. Missile Strategy on I.R.I Missile Strategy", **Defense Policy Quarterly**, 26(102): 71-104. (in Persian)

Mosalanejad Abas (2020). "Iran's Regional Security Policy in a Turbulent Environment", **World Politics Quarterly**, 9(3): 33-54. (in Persian)

Mumford, Andrew (2013). **Proxy Warfare**, Cambridge: Polity Press.

Palestinian Information Center's (August 8, 2017). "Confession of the Zionist commander: Hamas challenged Israel's Defense Systems in the 2014 War", Retrieved from https://farsi.palinfo.com/news/2017/8/8/ (in Persian)

Sadjadpour Karim (March 12, 2020). "The Evolution Of Arab Popular Opinion Toward Iran, And Iranian Self-Perceptions", The Caravan, Issue 2025, **Hoover Institution**, Retrieved from https://www.hoover.org/research/evolution-arab-popular-opinion-toward-iran-and-iranian-self-perceptions

Sajjadi, Seyed Mohsen and Hatami, Asghar (2019). "Missile Deterrence as a National Security Strategy of the Islamic Republic of Iran", **Knowledge of Political Interpretation Quarterly**, 1(1): 71-97. (in Persian)

Shaikh, Shaan and Williams, Ian (July 2018). "Hezbollah's Missiles and Rockets Hezbollah's Missiles and Rockets: An Overview", **Center for Strategic and International Studies (CSIS)**, Retrieved from: https://www.csis.org/analysis/hezbollahs-missiles-and-rockets

Soufan, Ali (November 2018). "Qassem Soleimani and Iran's Unique Regional Strategy", **CTC Sentinel**, Volume 11, Issue 10, Retrieved from https://ctc.usma.edu/app/uploads/2018/11/CTC-SENTINEL-112018.pdf

Stratfor Worldview (August 8, 2018). "The Missile Arsenal at the Heart of the Israeli-Iranian Rivalry", Retrieved from https://worldview.stratfor.com/article/missile-arsenal-heart-israeli-iranian-rivalry

Stratfor Worldview (Jul 10, 2014). "Examining Hamas' Rockets", Retrieved from https://worldview.stratfor.com/article/examining-hamas-rockets

Tasnim News Agency (August 21, 2020). "Tasnim Report of the latest Iranian Cruise, Is the Abu Mahdi Missile the Same as the Hoveyzeh Missile?"

Retrieved from https://www.tasnimnews.com/fa/news/1399/05/31/2332226/ (in Persian)

Tasnim News Agency (July 1, 2016). “100,000 Rockets from Lebanon Ready to Be Fired against the Zionist Regime”, Retrieved from https://www.tasnimnews.com/fa/news/1395/04/11/1119325/ (in Persian)

Tasnim News Agency (May 20, 2021), “Netanyahu's Spokesperson: So Far, 4,000 Missiles Have Been Fired from Gaza towards Israel”, Retrieved from https://www.tasnimnews.com/fa/news/1400/02/30/2506395/ (in Persian)

Tasnim News Agency (November 23, 2014). “Hezbollah Has Been Strengthened by Iran’s High Precision Strike Missiles”, Retrieved from https://www.tasnimnews.com/fa/news/1393/09/02/565847/ (in Persian)

Waltz, Kenneth N. (1986). “Anarchic Orders and Balances of Power”, In Robert, Keohane (ed.). **Neorealism and Its Critics**. New York: Columbia University Press.

Wood, Dakota L. (ed.) (2015). “2016 Index of U.S. Military Strength: Assessing America’s Ability to Provide for the Common Defense”, **The Heritage Foundation**, Retrieved from https://s3.amazonaws.com/ims-2016/PDF/2016_Index_of_US_Military_Strength_FULL.pdf